

عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه نشین شهر مشهد

میلاد پوررجبی^۱

علی‌اکبر مجدی^۲

سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۰

شماره صفحه: ۳۵ - ۶۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳

چکیده

حاشیه‌نشینی که از جمله عوامل به وجود آورنده شرایط قانون‌گریزی و برهم زنده امنیت کلان‌شهرها است، زائیده برنامه‌ریزی‌های نامناسب اقتصادی و اجتماعی است. هدف این مقاله، ارزیابی میزان قانون‌گریزی و تبیین برخی عوامل مؤثر بر آن در نواحی حاشیه نشین و حومه شهرستان مشهد است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و جامعه آماری آن کلیه افراد حومه شهر مشهد هستند. از این میان ۵ منطقه و ۳۸۳ سرپرست خانوار حاشیه نشین به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها به روش‌های آماری در نرم‌افزار SPSS پردازش و تحلیل شد. نتایج بیانگر میزان قابل ملاحظه قانون‌گریزی با درجه میانگین ۲/۹ است. همچنین رابطه همبستگی عوامل مذهبی (به‌جز پایبندی به مناسک مذهبی)، احساس برابری (به استثنای رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری)، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی (غیر از احساس بی‌معنایی) با میزان قانون‌گریزی از لحاظ آماری معنادار است. نتایج حاکی از ضعف قابل ملاحظه در بنیان‌های آگاهی و

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

milad.porrajabi@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

majdi@um.ac.ir

دانش، بنیان‌های اقتصادی و تولیدی و نیز سازوکارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات است که روی هم رفته در چارچوب نظامی غیرسنتی مبتنی بر تجربه و اتفاق‌های روزمره زندگی و گرایش منفعت طلبانه فردی، منجر به گرایش‌های قانون‌گريزانه در این مناطق شده است.

واژگان کلیدی: قانون‌گريزی، بیگانگی، کارآمدی، حاشیه‌نشینی، رفتارهای انحرافی

بیان مسأله

از قرن نوزدهم تا به امروز مسائل و مشکلات شهری - به‌عنوان سکونتگاه اکثر مردم جهان - افزایش چشمگیری یافته است. ساختار ارگانیکی شهر به‌گونه‌ای است که سطح مراودات اجتماعی بسیار پرحجم و نسبتاً رسمی است و بیشتر از آن که هنجارهای سنتی، شکل روابط بین شهرنشینان را تعیین کند این قانون و هنجارهای رسمی است که بر روابط اجتماعی سنگینی می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۱: ۲۱۱)، اصولاً بدون تبعیت از قانون واحد، اداره و سازماندهی جوامع غیرممکن به نظر می‌رسد؛ در عین حال جامعه برای نشان دادن ثبات و پایداری خود در اجرای برنامه و سیاست‌های طراحی شده، نیازمند رعایت نظم و مقررات از سوی مردم جامعه است؛ حتی امروزه چنین تلقی می‌شود که قانون‌گريزی، حالتی غیرعادی برای مردم آن جامعه به شمار می‌رود (Ito, et al., 2019: 68).

مسائل و مشکلاتی مانند مهاجرت، افزایش جمعیت، حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها می‌تواند از جمله عوامل قانون‌گريزی باشد. در واقع شرایط حاکم بر مناطق مسکونی‌ای که افراد در آن جامعه پذیر می‌شوند، آنها را وادار می‌کند تا به شیوه‌های خاصی رفتار و نیازهای خویش را برطرف کنند که این رفتارها به مرور زمان به صورت نگرش‌هایی به افراد هر منطقه القاء خواهد کرد (Wunder, 2015: 204). محلات فرسوده داخل شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی و غیرقانونی نمونه‌هایی از این شیوه سکونت هستند که نشانگر عدم وجود قوانین و مقررات شفاف در نظام برنامه‌ریزی و نابسامانی شرایط اقتصادی شهرها است (Mohebalian and Aguilar, 2018: 452).

حاشیه‌نشینی از جمله عوامل به‌وجود آورنده شرایط قانون‌گريزی و برهم زنده امنیت کلان‌شهرها است که زاینده برنامه‌ریزی‌های نامناسب اقتصادی و اجتماعی است (Ezzine, et al, 2016: 121). اگرچه امروزه حاشیه‌ها را جزئی از شهرها می‌دانیم که بافتی مشترک با شهرها پیدا کرده‌اند، ولی

حاشیه‌ها اغلب دارای فرهنگ غیرمولد هستند و همچنان به مناطق جرم‌خیز و مشکل‌زا تبدیل می‌شوند (Colfer, 2011: 2151) مناطقی که به گفته جامعه‌شناسان، فرهنگ فقر و فقر منطقه‌ای، مشخصه اصلی آن است و جرم و جنایت، زاییده این فرهنگ است. در واقع حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که در کنار سایر پدیده‌های تأثیرگذار در شهر، بر مشکلات شهری افزوده است. این معضل، چهره و سیمای شهر را بدقیافه و زشت نموده، باعث تشدید دوگانگی در جامعه شهری، افزایش فاصله طبقاتی و بسیاری از مشکلات دیگر می‌گردد. بر این اساس حاشیه‌نشینی یک مسأله یا عارضه شهری است که می‌تواند منبع اصلی بسیاری از بزهکاری‌ها و جرم‌ها قرار گیرد (میرفردی و فرجی، ۱۳۹۵: ۹۴؛ فتح‌اللهی و دیگران، ۱۳۷۸: ۳۱۰).

شهرها امروزه به یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های اساسی تحقیق در مسائل اجتماعی تبدیل شده‌اند (گیدنز، ۱۳۹۱: ۱۶۳) و بیش از نیمی از مردم جهان نیز در شهرها زندگی می‌کنند؛ در حاشیه تمامی شهرهای بزرگ دنیا سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی وجود دارند که بیشتر معضلات و مشکلات اجتماعی متوجه این مناطق است (Narloch, Drucker & Pascual, 2017: 655). حاشیه‌نشینی، در واقع حاصل و برون‌داد مشکلات اجتماعی و ساختاری است که عمدتاً بر اثر جریان سریع مهاجرت از روستاها به شهرها اتفاق می‌افتد و غالباً با عوارضی مانند فقر، سوابق قومی و فرهنگی متفاوت مهاجران در حاشیه و عدم وجود حریم خصوصی در ارتباط است که موجب بروز ویژگی‌های منفی شخصیتی مانند پوچی و بی‌ارزشی، احساس بیگانگی، سرخوردگی و عدم توانایی در بروز احساسات مانند خشم، بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و قانون‌گزاری و ضعف باورهای دینی می‌گردد و هر کدام از این عوامل می‌تواند یکی از علل اصلی بروز انواع بزهکاری‌ها و قانون‌گریزی‌ها باشد (Mohebalian and Aguilar, 2018: 554).

به عبارت دیگر، افراد از طریق اجتماعی شدن شیوه‌های زندگی در جامعه‌شان را می‌آموزند، شخصیتی کسب کرده، آمادگی عمل به‌عنوان عضو یک جامعه را پیدا می‌کنند و یاد می‌گیرند خودشان را با سیستم جدید انطباق دهند و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه داشته باشند (علی محسنی، ۱۳۹۱: ۸۷). عواملی مثل چندگانگی در ساختار اقتصادی، نابرابری در توزیع درآمد، فقر، بیکاری، تورم و مشکلات تأمین هزینه‌های رو به رشد زندگی، بر نارضایتی عموم مردم می‌افزاید؛ و حال

اگر مردم با توجه به شرایطشان نتوانند بر این مشکلات فائق آیند و از طریق رعایت قوانین به اهداف و خواست‌های خود نرسند، به دنبال راه‌های گریزی می‌روند که به قانون‌گریزی منجر می‌شود (میرفردی و فرجی، ۱۳۹۵: ۹۹؛ فتح‌اللهی و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۳۱)؛ بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط نمود که شرایط اجتماعی و منطقه مسکونی که افراد در آن جامعه‌پذیر می‌شوند تا حد زیادی بر گرایش‌های قانون‌گريزانه آنان در آینده تأثیرگذار است (Ezzine & et al, 2016:129).

مشهد از نظر جمعیت دومین کلان‌شهر کشور و از لحاظ مهاجرپذیری پس از تهران بزرگ‌ترین شهر محسوب می‌شود. از لحاظ شاخص‌های سنی مشهد از جمعیتی جوان برخوردار است و رشد جمعیت سالانه آن ۱/۶۸٪ است که اندکی بالاتر از نرخ رشد جمعیت ایران ۱/۶۴ است. از لحاظ شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی، بویژه شاخص‌های فرهنگی و آموزشی شهر مشهد وضعیت مناسبی دارد، ولی در نواحی حاشیه‌ای و حومه آن به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش به خاطر گستردگی مهاجرت از دیگر استان‌ها و بعضاً دیگر کشورها (مهاجران افغان) و دسترسی ضعیف به زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از وضعیت اجتماعی و اقتصادی نابسامانی برخوردار بوده، در محرومیت به سر می‌برند؛ دلیل آن هم ناپایداری حاصل از ناکارآمدی ساختار و عناصر سیستم‌های مناطق شهری در کشورهای جهان سوم است که ویژگی‌هایی را در این سکونتگاه‌ها ایجاد کرده است (Terres, 2015: 22؛ روستایی، زادولی و زادولی خواجه، ۱۳۹۳: ۸۷). بخش مهمی از این مسأله به گرایش‌های قانون‌گريزانه در حومه شهر، بازمی‌گردد. در همه‌ی مناطق حاشیه‌نشین به یک میزان تخلف از قانون به چشم نمی‌خورد بلکه قسمت اعظمی از فساد، تبه‌کاری و انحرافات اجتماعی در بعضی از مناطق حاشیه‌ای اتفاق می‌افتد که به سبب ایجاد مشکلات فراوان نیازمند توجه و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مناسب است و در صورت بی‌اهمیتی و کم‌کاری در این خصوص، جامعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز دچار بحران خواهد شد، چرا که مشکلات و مسائل تولیدشده در قسمت‌های حاشیه‌ای شهر به مراکز شهر هم رسوخ می‌کند و ناامنی در حاشیه طبیعتاً در متن نیز اثرگذار خواهد بود (Emirbayer, 1996: 121).

پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی میزان قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان شهر مشهد و بررسی و تبیین عوامل تأثیرگذار بر میزان قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین این شهر، به ویژه عوامل فرهنگی و

جامعه‌شناختی (شامل: احساس عدالت، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی اجتماعی) است.

با توجه به مباحث مطرح شده، این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

- میزان قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه در چه سطحی است؟
- آیا عامل احساس برابری و عدالت (دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی، رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری) با میزان قانون‌گریزی رابطه دارد؟
- آیا احساس بیگانگی اجتماعی (احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی، انزوای ارزشی و غریبگی با خود) با میزان قانون‌گریزی رابطه دارد؟

پیشینه تحقیق

جدول ۱) پیشینه پژوهش

پژوهشگران (تاریخ)	عنوان	خلاصه دستاورد
(فیروزجائیان، ۱۳۸۹)	قانون‌گریزی (تحلیلی در منظر نظریه عدالت رویه‌ای)	وقتی افراد رویه‌های اجرای قانون را منصفانه و عادلانه ندانند، قانون‌گرایی آنان کاهش می‌یابد و این در حالی است که فقدان عدالت در اجرای قانون موجب بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت مجریان قانون نزد مردم شده که این خود باعث قانون‌گریزی افراد در جامعه می‌شود. تأثیر متقابل متغیرهای عدم عدالت رویه‌ای، بی‌اعتمادی مدنی و عدم مشروعیت موجب قانون‌گریزی افراد در جامعه می‌شود.
(رضایی، ۱۳۸۴)	میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی	احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص‌گرایی، تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به‌نظام سیاسی، بیشترین تأثیر را نسبت به سایر متغیرها بر قانون‌گریزی ابزاری داشته است. سه شاخص قانون‌گریزی اخلاقی، اعتراضی و ابزاری ساخته شده بیشترین رابطه را با احساس آنومی و میزان رواج زور در جامعه داراست.
(حیدری، رضادوست و فروت‌ن‌کیا، ۱۳۹۱)	نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی، مطالعه موردی: دانشجویان	از هم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گریزی رابطه معنادار و مثبت دارد. تحلیل رگرسیون نشان داده که اثر فردگرایی و بُت‌وارگی پول بر قانون‌گریزی معنادار است و اثر پیشرفت‌گرایی و جهان‌گرایی قابل چشم‌پوشی است. دیگر نتایج نشان داده که قانون‌گریزی با

<p>پایگاه اجتماعی اقتصادی رابطه ندارد. همچنین بین پایگاه اجتماعی اقتصادی عینی و ازهم‌گسیختگی نهادی همبستگی مثبت و ضعیفی مشاهده شد.</p>	<p>دانشگاه شهید چمران اهواز</p>	
<p>بین سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ اما بین جنس، وضعیت شغلی افراد و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. براساس دیگر نتایج بین متغیرهای اساسی، دینداری، سرمایه اجتماعی، نگرش به قانون، نظارت اجتماعی، عدالت توزیعی و قانون‌گرایی رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد، اما بین آنومی و قانون‌گرایی رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد.</p>	<p>عوامل قانون‌گرایی شهروندان در شهر یزد</p>	<p>(زارع شاه- آبادی و ترکان، ۱۳۹۲)</p>
<p>مردان بیش از زنان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی داشتند. سطح تحصیلات و نوع شغل افراد در کاهش یا افزایش میزان قانون‌گریزی افراد اثری نداشته است. هرچه احساس تعلق اجتماعی فرد بالاتر باشد، از میزان قانون‌گریزی فرد کاسته می‌شود و در نهایت هر چه فرد با محدودیت منابع بیشتر روبرو باشد، میزان قانون‌گریزی وی در روابط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.</p>	<p>عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی (مورد مطالعه افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر شیراز)</p>	<p>(مختاری، قهرمانی و قدرتی، ۱۳۹۱)</p>
<p>متغیرهای باورهای مذهبی، عام‌گرایی قانون، خوش‌بینی نسبت به حکومت و ترس از مجازات با میزان قانون‌گرایی افراد رابطه مستقیم و معنی‌داری داشته است.</p>	<p>بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)</p>	<p>(واحدی، بدری گرگری و مصراآبادی، ۱۳۸۸)</p>
<p>ساکنان محلات ظرفیت و دارایی‌های اجتماعی بالایی دارند که در صورت توجه به آنها و ارائه آموزش‌های لازم می‌توان در توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین گام برداشت.</p>	<p>ارتقای کیفیت زندگی حاشیه‌نشینان در کشور آفریقای جنوبی</p>	<p>(WeKesa, 2011)</p>
<p>دین با محور قرار دادن آموزه‌های دینی به‌عنوان معیار و هنجار مطلوب رفتار، به تنظیم و کنترل رفتار و روابط اجتماعی طیف وسیعی از انسان‌ها پرداخته و با توجه به این قدرت بازدارندگی، از بروز آسیب‌های اجتماعی همچون قانون‌گریزی جلوگیری می‌کند. همچنین عقاید، باورها، احکام و مناسک دینی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قانون‌گرایی و اطاعت از قوانین دارد؛ یعنی هر چه میزان دین‌داری افراد بیشتر شود، میزان عمل به قانون و پایبندی به آن در افراد نیز افزایش می‌یابد.</p>	<p>درباره دین و گرایش به قانون</p>	<p>(Lou Xin- quan, 2008)</p>

<p>محقق در این تحقیق که به روش پیمایشی انجام شده است، به دنبال تأثیر اهمیت مجاورت بر روی جرم بوده است. نتایج تحقیق نشان داده است که مجاورت با افراد بزهکار بر قانون شکنی آنها تأثیر معنی‌داری داشته است. آنها همچنین نشان دادند که مجاورت ممکن است با سودمندی فن‌آوری اجرایی ارتباط داشته باشد و اینکه البته منافع افراد در شکستن قانون با یکدیگر نامتجانس است.</p>	<p>قانون شکنی زمانی که دیگران انجام می‌دهند</p>	<p>(Ferrer, 2009)</p>
<p>بین میزان شناخت منفی از اعمال قانونی و تمایل به قانون-گرایی ارتباط معکوس وجود دارد. همچنین بین میزان تجربه مثبت از اعمال قانونی، میزان دریافت شناختی از مشروعیت قانون، میزان برداشت از تجربه قانون‌گرایی و میزان آگاهی از تنبیه کیفری رفتار غیرقانونی و قانون‌گرایی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد.</p>	<p>بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر قانون‌گرایی</p>	<p>(Wang & Liu, 2010)</p>

با توجه به پژوهش‌های مذکور، فردگرایی، از هم‌گسیختگی نهادی و تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به‌نظام سیاسی در مورد قانون‌گریزی، برای جامعه مهم قلمداد شده است. کسانی که اجرای قانون را منصفانه و عادلانه ندانند، قانون‌گرایی در آنان کاهش می‌یابد. این امر موجب بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت قانون نزد مردم می‌شود. در این پژوهش‌ها پایگاه اجتماعی- اقتصادی در مورد قانون‌گریزی افراد در نظر گرفته نشده است در حالی که در پژوهش‌های گسترده خارجی این رابطه نقشی پررنگ و حیاتی دارد. در پژوهش حاضر عوامل اجتماعی- اقتصادی دارای نقش برجسته ای است. نتایج دیگر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای اساسی، دینداری، سرمایه اجتماعی، نگرش به قانون و نظارت اجتماعی با قانون‌گرایی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، این در حالی است که دینداری در این تحقیقات به مثابه بن‌مایه ای دینی و مذهبی (کشور) مدنظر بوده است، حال آنکه در این پژوهش باورهای دینی به‌عنوان یک متغیر مداخله‌گر و متمایز با تحقیقات دیگر مدنظر است. این امر ناشی از برداشت‌های متفاوت افراد از دینداری است؛ به این ترتیب که فرد خود را دیندار می‌داند، در حالی که رفتار اجتماعی او خلاف اظهارات وی در مورد دینداری است. نکته مهمی که در پژوهش‌های مختلف اغلب به آن کم‌توجهی شده است، مشکلات مهاجرت افراد و انطباق آنان با محیط پیرامون است؛ به این ترتیب که افراد به‌محض رسیدن به مقصد دچار تعارض فرهنگی می‌شوند و رفتارهایی خلاف قانون از خود بروز می‌دهند.

چارچوب نظری

جامعه‌شناسان قانون‌شکنی و قانون‌گریزی را در ساختار اجتماعی ناکارآمد، با سازمان‌دهی اجتماعی جامعه موردنظر و شرایط آنومیک آن تبیین می‌کنند و معتقدند که مهاجرت، صنعتی شدن و رشد سریع شهری، موجب زیر پا گذاشتن الگوهای تثبیت‌شده و کاملاً سازمان‌یافته زندگی می‌شود (Ito, et al., 2018: 141). قواعد مذکور در مواقعی که تغییر اجتماعی سریع به وجود می‌آید از هم پاشیده می‌شوند. از این رو مردم معیارهایی را که به روابط و رفتارهای آنها نظم می‌بخشد، از دست می‌دهند (واحدی، بدری گرگری و مصرآبادی، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۴) از جمله علت‌های عمده قانون‌گریزی افراد یک جامعه این است که هنجارها قدرت تنظیم‌کنندگی خود را بر رفتار و آرزومندی‌های انسان‌ها از دست می‌دهند و چنان آرزومندی‌ها، افسارگسیخته می‌شوند که به‌صورت نیازهای سیری‌ناپذیری درمی‌آیند که هیچ‌گاه ارضا نمی‌شوند (حیدری، رضادوست و فروتن‌کیا، ۱۳۹۱: ۴۲). از دیدگاه این نظریه، ضعف کنترل‌های رسمی (نظارت نهادی) در جامعه باعث می‌شود برخی اجتماعات، توانایی خودتنظیمی را از دست بدهند. این موضوع باعث می‌شود پیوندهای اعضای جامعه با همدیگر و با جامعه سست شود و افراد به‌آسانی از هنجارهای مرسوم اجتماع عبور کنند و آن‌ها را زیر پا بگذارند و قانون‌گریزی از این طریق، در جامعه گسترش پیدا می‌کند (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

به‌زعم دورکیم، بی‌هنجاری زمانی رخ می‌دهد که تحولی عظیم که به‌ناچار شامل بی‌نظمی غیرمنتظره است، در جامعه واقع شود. دورکیم، وضعیتی را که در آن، قدرت نظارت اجتماعی جامعه سست می‌شود و کنترل جامعه بر تمایلات فردی کارآیی خود را از دست می‌دهد، بی‌هنجاری می‌خواند (Giddens, 1986: 453; Emirbayer, 1996: 121). او معتقد است نزدیک‌ترین حالت به وضعیت بی‌هنجاری، هم‌زمان با وقوع انقلاب یا جنگ یا بلافاصله پس از رکود اقتصادی شدید غیرمنتظره مشاهده می‌شود. نتیجه چنین وقایعی ممکن است افزایش قانون‌گریزی و رفتارهای تخلف‌آمیز باشد؛ زیرا در این موقعیت غیرعادی که توافق چندانی درباره رفتار مناسب یا نامناسب

نیست، تعیین دقیق رفتار تخلف‌آمیز مشکل است و حدود عرفی که درهم می‌شکند، تعریف شدنی و تعیین شدنی نیست (Giddens, 1986: 453). در عین حال، مردم به‌طور غیرمعمول تابع عرفی نوحاسته می‌شوند و آنچه بخشی از عرف معمول و پذیرفته شده جامعه بوده است، از دست می‌رود (Longshore, et al., 2004: 191; Lilly, Francis & Richard, 1995: 53). از نظر دورکیم آنومی وضعیتی است که در آن هنجارهای اجتماعی جامعه نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهند (گیدنز، ۱۳۹۱: ۵۹۰). به نظر وی در جوامع امروزی، معیارها و هنجارهای سنتی بدون آنکه توسط هنجارهای جدید جایگزین شوند، تضعیف می‌شوند (معدفر، ۱۳۷۹: ۱۹۴).

نظریه آنومی دورکیم دارای دو بعد است که مشخصه آن بی‌هنجاری و نامتناهی بودن آرزوها است. دورکیم درباره رابطه میان انسان، نیازها، اهداف یا آرزوهایش بحث می‌کند و معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم پاشیدگی هنجارها و از بین رفتن کنترل آرزوها، آنومی در وضعیت آرزوهای بی‌حد و حصر به وجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد، طبعاً نمی‌توانند ارضا و اشباع شوند، سبب ظهور نارضایتی اجتماعی منفی نظیر: خودکشی، اقدامات جنایی، طلاق و ... می‌شوند که از نظر آماری نیز قابل سنجش‌اند (علیوردی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۷۲).

در دیدگاه رابرت مرتون^۱ در یک جامعه پایدار، میان اهداف اجتماعی- فرهنگی و راه‌های پذیرفته‌شده برای دستیابی به آن اهداف در بین عامه مردم، تعادل وجود دارد و آنومی وقتی شروع می‌شود که این رابطه متعادل، به هم بخورد. وی معتقد است تنها هنگامی فقر و محدودیت‌های ناشی از آن جرم‌زا می‌شود که افراد فقیر شیفته رسیدن به ارزش‌های فرهنگی مورد تأثیر اعضای جامعه باشند و برای رسیدن به آن با کسانی وارد رقابت شوند که فرصت‌های مشروع را به میزان بیشتری در اختیار دارند. در چنین وضعیتی رفتار ضداجتماعی آنان طبیعی خواهد بود (محسنی، ۱۳۸۱: ۵۴).

جرم‌شناسان بی‌عدالتی و شرایط ناسالم اقتصادی را مؤثر و مرتبط با قانون‌گریزی افراد می‌دانند (نوربهاء، ۱۳۷۷: ۴۶). بر اساس نظریه مبادله، اگر توزیع پاداش‌ها با معیارهای عدالت متناسب نباشد،

احساس بی‌عدالتی رواج پیدا کرده و اعضای جامعه در واکنش به آن از تمکین در برابر مقررات و قوانین پرهیز می‌کنند. آدامز^۱ و هومنز^۲ نیز بر نقش توزیع عادلانه و رضایت اجتماعی و در نهایت، احترام و پذیرش قوانین صحنه گذاشته‌اند (Adams, 1965: 43; Homans, 1961: 261) بر اساس نظریه انصاف، افراد سعی می‌کنند نوعی تعادل میان داده‌ها و ستانده‌های خویش برقرار سازند (چلبی، ۱۳۹۴: ۴۶). حتی اگر در توزیع پاداش و امکانات، به فرد/ افرادی بیش از استحقاق پاداش یا امکاناتی داده شود، نه تنها عدالت برقرار نشده، بلکه این کار از طریق فرایند مقایسه اجتماعی بر افزایش بی‌عدالتی مؤثر است. بر اساس نظریه ارزش منزلتی برگر و همکارانش، اگر انتظارات مردم از قانون با آنچه اجرا می‌شود متفاوت باشد، قطعاً اعضای جامعه آن را ناعادلانه تلقی می‌کنند و ارزیابی مردم از قانون، منفی بوده و در مقبولیت آن‌ها مؤثر است. بر اساس این نظریه، قوانین و انتظاراتی که از آن قوانین می‌رود، باید تعریف شده و بدون ابهام باشد؛ در غیر این صورت کارآیی خود را از دست داده و بر پذیرش قانون تأثیر منفی می‌گذارد (همان: ۶۹).

بنابراین زمانی که سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای زیاد باشد، افراد کم‌تری مرتکب قانون‌گریزی می‌شوند؛ زیرا با انجام این کار شبکه روابط خود را از دست می‌دهند و از طرف جامعه و اطرافیان طرد می‌شوند. بر اساس تئوری انتخاب عقلانی، در صورت وجود سرمایه اجتماعی مثبت و روابط گرم متقابل و اعتماد کافی بین اعضای جامعه، اکثر افراد قانون‌مدارند؛ چرا که قانون‌گریزی با تحمیل هزینه‌های زیاد، سود کمی برای آن‌ها خواهد داشت؛ در نتیجه، از آن پرهیز می‌کنند (Longshore, et al., 2004: 291; Lilly, Francis & Richard, 1995: 253). در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی پیش‌فرض آنست که افراد رفتار کجروانه خواهند داشت؛ مگر این که کنترل شوند. بر این اساس، ارتکاب رفتار انحرافی به علت فقدان یا ضعف سازوکارهای کنترل اجتماعی در جامعه است. سازوکارهای کنترل دو نوع اند: کنترل شخصی و کنترل اجتماعی. عوامل کنترل اجتماعی شامل وابستگی و تعلق به نهادهای بنیادین

1. Adams
2. Homans

اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و دین است. به‌زعم هیرشی، وفاقی کلی درباره هنجارها، ارزش‌ها و باورهای (دینی) رایج در جامعه وجود دارد و کنترل اجتماعی برمبنای این وفاق اجتماعی انجام می‌شود. وی معتقد است چهارعنصر اصلی شامل وابستگی به اجتماع، تعهد، مشغولیت (مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی) و اعتقاد و باور داشتن به قواعد اجتماعی، موجبات پیوند فرد و جامعه را فراهم می‌نماید (Lilly, Francis & Richard, 1995: 341; Brownfield and Sorenson, 1993: 252). همچنین، وی معتقد است میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی و دینی برای هم‌نوایی با قوانین، برای خود قائل نیست. این نظریه با نظریه کارکردی، ماکس وبر و امیل دورکیم مشترک است؛ زیرا هر دوی این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که دین و باورهای دینی و اعتقاد به آن‌ها مانند نوعی منبع کنترل درونی و اجتماعی عمل می‌کنند و مانعی برای شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی هستند. بر اساس این دو نظریه، انحراف تحت تأثیر اعتقادات خلاف اخلاق معمول در جامعه واقع می‌شود.

در نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند^۱ تبیین رفتار قانون‌گريزانه با میزان و نوع تماس‌های فرد با سایر اشخاص تبیین می‌شود؛ به این صورت که افراد مستعد قانون‌گریزی در همنشینی با افراد جامعه یاد می‌گیرند که گاه موافق و گاه مخالف رفتارهای قانون‌گريزانه است. اگر تعریف‌هایی که کنش‌های قانون‌گريزانه را قبول می‌کنند، با پشتوانه‌ای قوی‌تر از تعریف‌های قانون‌گرایي به فرد القا شود و فرد نیز در دفعات بیش‌تری با این دسته تعاریف مواجه گردد، احتمال این‌که فرد مرتکب قانون‌گریزی شود، بیش‌تر است (Burkett, 2001: 401; Haynie, et al., 2005: 450).

از بررسی پژوهش‌ها و نظرات مرتبط با این حوزه مشخص می‌شود که قانون‌گریزی افراد از جمله حاشیه‌نشینان تحت تأثیر عوامل مختلفی است از آن جمله می‌توان به احساس بی‌عدالتی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، شغلی و ...، زندگی تحت ظلم و تبعیض، پایین بودن سواد و تحصیلات، ساخت سنتی و مقتدرانه خانواده، باورهای دینی و ... اشاره داشت. تأکید ما در این

پژوهش بر چهار متغیر مهم احساس بیگانگی اجتماعی، احساس برابری و عدالت، احساس کارآمدی و باورهای دینی است و ارتباط آنها با میزان قانون‌گریزی افراد مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی مبتنی بر تکمیل پرسشنامه محقق ساخته است. شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق بعد از بررسی پیشینه نظری و مطالعات اولیه محدود به پژوهش استخراج شد (جدول ۱). جامعه آماری تحقیق را کلیه ساکنان مناطق حاشیه‌نشین مشهد (۵۵۱۶۳) و جامعه نمونه را ۵ منطقه و ۳۸۳ نفر از ساکنین حاشیه نشین بالای ۱۸ سال تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری تصادفی بوده و تعداد نمونه متناسب با سهم جمعیتی هر منطقه از طریق فرمول کوکران به صورت زیر به دست آمده است.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot P \cdot q}{N \cdot d + t^2 \cdot P \cdot q}$$

N = حجم جمعیت آماری

t = درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول

P = نسبت جمعیت دارای صفت معین

q = نسبت جمعیت فاقد صفت معین

d = درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب

با توجه به پراکندگی نمونه مطالعه پژوهش حاضر، در اکثر تحقیقات علوم اجتماعی معمولاً P و q را ۰/۵ در نظر می‌گیرند. و مقدار t را معمولاً ۱/۹۶ تعیین می‌کنند.

$$n = \frac{55163 \times (1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)}{55163 \times (0/5)^2 + (1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)} = \frac{52971/54}{138/45} \approx 383$$

جدول ۲) شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی

معرف‌ها	شاخص‌ها	نوع متغیر
میزان آگاهی از احکام مذهبی، میزان اعتقاد به اهمیت مذهب در زندگی، میزان پایبندی به اعمال و اخلاق و مناسک مذهبی	باورهای دینی	مستقل
میزان رضایت از دسترسی برابر به درآمد و شغل مناسب، میزان رعایت حقوق قومیت‌ها (عدم نابرابری بین قومیت‌ها)، برتری قانون بر رابطه (قانون‌گریزی) و رضایت از شایسته‌سالاری (توجه به میزان توانایی و تخصص هر فرد و استفاده از آن در مسیر پیشرفت جامعه)	احساس برابری و عدالت	
انگیزه و میل به پیشرفت (علم‌گرایی، تلاش جهت دستیابی به سطوح بالای رفاه فردی واجتماعی)، سطح توقعات و آرزوها برای زندگی آینده	احساس کارآمدی	
احساس بی‌قدرتی (تصور به بی‌تأثیر بودن عمل خود)، احساس بی‌معنایی (سردرگمی در اعتقادات و تصمیم‌ها)، احساس انزوای ارزشی (پرهیز از صمیمیت و انجام امور برحسب ارزش پاداشی) و احساس غریبگی با خود (بیگانگی با آرمان‌های اجتماعی و بدبینی به آینده)	احساس بیگانگی اجتماعی	
اطاعت از قانون (قانون هر چه باشد باید اطاعت کرد، این که در هر حالی باید از قانون اطاعت کرد) رعایت قانون (اینکه رعایت قانون باعث پیشرفت یا عقب ماندن آدم می‌شود، کسانی که قانون را رعایت نمی‌کنند سریعتر و راحتتر به اهدافشان می‌رسند، وقتی دیگران قانون را رعایت نمی‌کنند لازم نیست من از آن اطاعت کنم) عمل به قانون (پرداخت به موقع مالیات یا عوارضی، رعایت قوانین رانندگی) عدم التزام به قوانین (کشیدن چک بی محل یا خرید کالای قاچاق، رانندگی بدون گواهی نامه)	قانون‌گریزی	وابسته

داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (تکمیل پرسشنامه) به دست آمد. روایی پرسشنامه مبتنی بر تعاریف عملیاتی شاخص‌ها و نظر کارشناسان بررسی و تأیید شد و پایایی آن از طریق ۳۰ نمونه اولیه به طور پیش‌آزمون به کمک آلفای کرونباخ محاسبه شد (جدول ۳). روش تجزیه و

تحلیل اطلاعات و داده‌ها بر اساس روش‌های آماری در محیط نرم‌افزار SPSS و از طریق آزمون‌های t تک نمونه‌ای و همبستگی پیرسون بوده است. در این پژوهش میان‌نظری بر مبنای مقیاس لیکرت عدد ۳ است.

جدول ۳) بررسی پایایی ابزار تحقیق (پرسشنامه)

ضریب کرونباخ	تعداد گویه‌ها	شاخص‌ها
۰/۷۷۵	۴	دین و مذهب
۰/۸۲۳	۷	احساس عدالت
۰/۷۴۹	۴	احساس کارآمدی
۰/۸۶۱	۷	احساس بیگانگی اجتماعی
۰/۸۵۵	۹	قانون‌گریزی

یافته‌های پژوهش

از میان کلیه پاسخگویان ۸۷٪ مرد و ۱۳٪ زن بودند. از نظر سن، ۱۳/۳٪ تا ۱۸ تا ۳۰ سال، ۲۰/۱٪ بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۰/۷٪ بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۷/۸٪ بالای ۵۰ سال سن دارند. پاسخ‌دهندگان از لحاظ تحصیلات، ۲۹/۲٪ بی‌سواد، ۱۵/۹٪ دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۱/۴٪ راهنمایی، ۱۹/۷٪ دیپلم، ۱۰/۵٪ کاردانی، ۴/۹٪ کارشناسی و ۳/۹٪ کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. از لحاظ میزان درآمد ماهیانه، ۵۵/۲٪ پاسخگویان درآمد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان، ۲۷/۶٪ بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان و ۱۷٪ ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار و فقط ۰/۳٪ بیشتر از ۹۰۰ هزار را اظهار نموده‌اند. از نظر وضعیت شغلی نیز ۲۷/۳٪ گفته‌اند که دارای مشاغل کارگری و یدی، ۳۵/۸٪ دارای مشاغل آزاد، ۱۱/۷٪ بازاری، ۳/۴٪ خانه‌داری، ۲/۱٪ بازنشسته و مستمری بگیر، ۹٪ کارمند و ۱۰/۶٪ بیکار هستند.

جهت پاسخگویی به سؤال‌های تحقیق به وسیله آمار استنباطی، نخست وضعیت توزیع داده‌ها به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی شد. با توجه به رد فرضیه صفر، نتایج حاکی از نرمال بودن داده‌ها است (جدول ۴).

جدول ۴) بررسی وضعیت توزیع نرمال داده‌ها

شاخص‌ها	-	ضرایب
دین و مذهب	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/764
	سطح معناداری	0/498
احساس عدالت	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/793
	سطح معناداری	0/555
احساس کارآمدی	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/702
	سطح معناداری	0/707
احساس بیگانگی اجتماعی	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/651
	سطح معناداری	0/542
قانون‌گریزی	آماره کولموگروف- اسمیرنوف (Z)	0/544
	سطح معناداری	0/928

بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان قانون‌گریزی در نواحی حاشیه و حومه شهر مورد مطالعه کمتر از میانگین نظری (با درجه میانگین ۲/۹) است. از آنجا که مطابق آزمون t تک نمونه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و کران‌های بالا و پایین هر دو منفی هستند (جدول ۵)، می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گریزی در محدوده مورد مطالعه تا حدود قابل ملاحظه‌ای بر زندگی و فرایند اجتماعی مؤثر بوده است.

جدول ۵) بررسی میزان قانون‌گریزی با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای

test value = 3							متغیر
سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	میانگین جامعه	
کران پایین	کران بالا						
-۰/۱۵۳۵	-۰/۰۴۶۹	-۰/۱۰۰۲	۰/۰۰۰	۳۷۶	۳/۳۶۹	۲/۹	قانون‌گریزی

نتایج نشان می‌دهد که پاسخگویان تا حد متوسط (با درجه ۲/۹) پیشرفت در امور زندگی را مبتنی بر عدم رعایت قوانین و عمل به آن را باعث عقب ماندگی می‌دانند. از علل میزان متوسط

قانون‌گریزی در حومه و مناطق حاشیه‌نشین شهرستان مشهد می‌توان به عدم توان و تاب‌آوری حاشیه‌نشینان در برابر مخاطرات و مصیبت‌ها، عدم تجهیز کافی آن‌ها به ابزارهای توانمندساز اطلاعاتی و مهارتی، ضعف بنیه اقتصادی، نگرش‌های مذهبی تقریباً متحجرانه و آمیخته به خرافات (به‌عنوان نمونه بسیاری از حاشیه‌نشین‌ها بر مبنای تعالیم مذهبی معتقدند سرنوشت هر فرد پیش از تولد تعیین‌شده است و در رابطه با کنترل جمعیت معتقدند نباید از افزایش جمعیت جلوگیری کرد، با استناد به این روایت هر آن کس که دندان دهد نان دهد و غیره) و از همه مهمتر، جمود فکری (رکود تفکر، بی‌تفاوتی، ترجیح نقل بر عقل، وابستگی فکری، تغییرناپذیر دانستن سنت‌های جامعه و غیره) اشاره کرد.

این میزان قانون‌گریزی در محدوده مورد مطالعه هرچند وضعیت مطلوبی جهت نیل به بهبود این شاخص‌ها را نشان نمی‌دهد، با توجه به اطلاعات حاصل شده از مناطق حاشیه‌ای مورد مطالعه می‌توان با پویایی مذهبی و عرفی از طریق افزایش آگاهی و دانش - که در اثر ارتقای دسترسی به زیرساخت‌های آموزشی و ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی (مانند اینترنت، مطبوعات و کتابخانه رایگان) قابل تحقق است - و توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی مردم در نواحی حاشیه‌ای از طریق آموزش‌های فنی و توسعه زیرساخت‌های تولیدی، بویژه در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن، میزان قانون‌گریزی را تا حد زیادی تقلیل داد. از آنجایی که هنوز میزان استفاده از ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی در محدوده مورد مطالعه ضعیف (۳۹٪) است، در آینده می‌توان با ارتقای زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی به کاهش چشمگیر قانون‌گریزی در منطقه امیدوار بود.

عوامل زیادی می‌توانند بر میزان قانون‌گریزی مؤثر باشند. از میان این عوامل، در این پژوهش نقش برخی عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. جهت بررسی نقش دین و مذهب در میزان قانون‌گریزی در حاشیه شهر از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌ها حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار سایر عوامل مذهبی به‌استثنای پایبندی به مناسک مذهبی (شرکت در مراسم مذهبی) با میزان قانون‌گریزی است. اینکه هر چه میزان دانش مذهبی، پایبندی به واجبات مذهبی (نماز، روزه، زکات و ...) و اعتقاد به نقش کلیدی مذهب در هدایت امور زندگی بیشتر بوده، میزان قانون‌گریزی سیر صعودی یافته و عکس قضیه نیز درست است. از این

موضوع استنباط می‌شود که دین و مذهب به‌عنوان عاملی مهم و مؤثر در گرایش‌های قانون‌گریزانه نقش ایفا می‌کند. دلیل این که باورهای دینی بدین شکل در این بررسی استفاده شده است را می‌توان در مواردی همچون: فقدان آگاهی کافی از اهمیتی که دین بر انجام دستورات قانونی در زندگی قائل است، تأکید بر جدایی دین از عرصه عمومی زندگی، رکود و جمود فکری، اعتقاد به این موضوع که افراد وقتی فارغ از قوانین باشند، سریعتر و راحت‌تر به اهدافشان می‌رسند و ... جستجو کرد که جملگی از ایستا فرض کردن مفروضات دینی، ضعف عقلانیت دینی و ناتوانی در برابر موانع و مشکلات زندگی نشأت گرفته است، به عبارتی، بسیاری از مردم حاشیه‌نشین شهر اعمال خود را مبتنی بر باورهای مذهبی - که در عرصه شخصی و خصوصی زندگی خود دارند - می‌دانند و استفاده‌ای از احکام مذهبی در زندگی روزمره اجتماعی خود ندارند و معتقدند بدون رعایت قوانین اجتماعی پیشرفت در زندگی‌شان بیشتر است (جدول ۶).

جدول ۶) بررسی ارتباط باورهای دینی با میزان قانون‌گریزی

نوع همبستگی	قانون‌گریزی	-	شاخص‌ها
پیرسون	۰/۲۱۶	ضریب همبستگی	دانش مذهبی
	۰/۰۰۰	معناداری	
پیرسون	۰/۱۱۸	ضریب همبستگی	اهمیت مذهب
	۰/۰۲	معناداری	
پیرسون	۰/۲۰۱	ضریب همبستگی	پایبندی به واجبات مذهبی
	۰/۰۰۰	معناداری	
پیرسون	۰/۰۷۳	ضریب همبستگی	پایبندی به مناسک مذهبی
	۰/۱۵۵	معناداری	

در بررسی نقش احساس برابری و عدالت اجتماعی در میزان قانون‌گریزی، فقط ارتباط مستقیم و معناداری بین عامل دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی و میزان قانون‌گریزی مشاهده شد. به عبارت دیگر، افزایش رضایتمندی از دسترسی مساوی به انواع فرصت‌های اقتصادی در محل سکونت

و پیرامون آن با کاهش قانون‌گریزی همگام است. اما سایر عوامل احساس برابری، ارتباط منطقی و معناداری با میزان قانون‌گریزی نشان ندادند. علی‌رغم وجود مسائلی همچون پیگیری امور در نهادهای رسمی به صورت غیرقانونی و فقدان شایسته‌سالاری (عدم به‌کارگیری افراد بر اساس صلاحیت و توانایی در بسیاری از موارد بویژه استخدام‌های رسمی)، میزان قانون‌گریزی از این عوامل تأثیر نپذیرفته است (جدول ۷).

جدول ۷) بررسی ارتباط احساس برابری و عدالت با میزان قانون‌گریزی

نوع همبستگی	قانون‌گریزی	-	شاخص‌ها
پیرسون	۰/۲۲۳	ضریب همبستگی	دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی
	۰/۰۰۰	معناداری	
پیرسون	۰/۰۸۴	ضریب همبستگی	رعایت حقوق قومیت‌ها
	۰/۱۰۴	معناداری	
پیرسون	۰/۰۹۳	ضریب همبستگی	برتری قانون بر رابطه
	۰/۰۷۳	معناداری	
پیرسون	۰/۰۳۱	ضریب همبستگی	شایسته‌سالاری
	۰/۵۴۵	معناداری	

در بررسی نقش احساس کارآمدی در میزان قانون‌گریزی، یافته‌ها نشان داد که دو شاخص انگیزه و میل به پیشرفت و سطح آرزوها دارای رابطه معکوس و معناداری با میزان قانون‌گریزی هستند. با کاهش انگیزه پیشرفت (کاهش تمایل به علم‌گرایی و رسیدن به سطوح بالای رفاه فردی و اجتماعی) و کاهش سطح آرزوها و خواسته‌ها، میزان قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان سیر صعودی دارد و عکس این قضیه نیز صادق است. می‌توان گفت حاشیه‌نشینانی که انگیزه پیشرفت و آرزوها و آرمان‌های پایینی دارند، ترجیح می‌دهند از مسیرهای غیرقانونی برای پیشرفت خود استفاده کنند؛ چون در قالب قوانین موجود راهی برای دستیابی به آرمان‌های خود نمی‌بینند (جدول ۸).

جدول ۸) بررسی ارتباط احساس کارآمدی با میزان قانون‌گریزی

نوع همبستگی	قانون‌گریزی	-	شاخص‌ها
پیرسون	۰/۲۲۹-	ضریب همبستگی	انگیزه پیشرفت
	۰/۰۰۰	معناداری	
پیرسون	۰/۲۳۱-	ضریب همبستگی	سطح آرزوها
	۰/۰۰۰	معناداری	

در مناطق مورد مطالعه، بین احساس بیگانگی اجتماعی (به‌استثنای شاخص بی‌معنایی) و میزان قانون‌گریزی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. به عبارتی، افزایش احساس بی‌قدرتی، احساس انزوای ارزشی و احساس غریبگی با خود تا حدودی با افزایش میزان قانون‌گریزی همراه است. می‌توان گفت: زمانی که مردم فکر می‌کنند اعمالشان در جامعه بی‌تأثیر است و از حضور آنان در اجتماع استقبال و حمایت نمی‌شود، امید چندانی به آینده خوب ندارند؛ از صمیمیت در اجتماع پرهیز کرده، خود را بیگانه از آرمان‌های اجتماعی می‌یابند. این قضیه آنها را به انجام امور اجتماعی فقط در قبال ارزش پاداشی و پولی سوق می‌دهد. در نهایت، آنها که خود را بیگانه با اجتماع می‌یابند، گرایش‌شان به قانون‌گریزی فزونی می‌گیرد؛ اما ارتباط احساس بی‌معنایی با میزان قانون‌گرایی مورد تأیید قرار نگرفت. این امر حاکی از آن است که حاشیه نشینان از نظام اعتقادی و تصمیمات قاعده‌مندی برخوردارند و احساس سردرگمی در این زمینه ندارند (جدول ۹).

جدول ۹) بررسی ارتباط احساس بیگانگی اجتماعی با میزان قانون‌گریزی

نوع همبستگی	قانون‌گریزی	-	شاخص‌ها
پیرسون	۰/۱۳۴	ضریب همبستگی	احساس بی‌قدرتی
	۰/۰۰۹	معناداری	
پیرسون	۰/۰۶۹	ضریب همبستگی	احساس بی‌معنایی
	۰/۱۷۹	معناداری	
پیرسون	۰/۱۵۲	ضریب همبستگی	احساس انزوای ارزشی
	۰/۰۰۳	معناداری	
پیرسون	۰/۲۴۳	ضریب همبستگی	احساس غریبگی با خود
	۰/۰۰۰	معناداری	

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شناخت و ارزیابی میزان قانون‌گریزی و بررسی عوامل مؤثر بر آن، از مهم‌ترین زمینه‌های مورد توجه عالمان اجتماعی بویژه جامعه‌شناسان است. دستیابی به این مهم می‌تواند در جهت‌دهی برنامه‌های توسعه، بویژه برنامه‌ریزی در جهت توسعه فرهنگی به طور قابل ملاحظه‌ای مؤثر باشد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی میزان قانون‌گریزی و بررسی برخی عوامل فرهنگی و جامعه‌شناختی مؤثر بر آن، در حومه و نواحی حاشیه‌نشین کلان‌شهر مشهد انجام گرفت و نتایج به‌دست‌آمده حاکی از میزان متوسط قانون‌گریزی با درجه میانگین ۲/۹ است. این امر نشانگر ضعف زیرساخت‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی از یک سو و فقدان سازوکار مناسب برنامه‌ای و مدیریتی در توزیع سرمایه‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی اجتماعی با رویکرد عدالت محور، از سوی دیگر است. به بیان دقیق‌تر می‌توان گفت: حاشیه‌نشینان، فاقد توان مالی و مهارتی کافی جهت رویایی با مصیبت‌های اجتماعی و مخاطرات طبیعی هستند که خود نشأت گرفته از ناکارآمدی مشاغل آنان است که توانایی گذران معیشت سالم از طریق پیروی قانونی را از آنان سلب می‌کند. این مسأله خارج از چارچوب نظام سنتی عرف و مذهبی که مردم حاشیه‌نشین در گذشته به آن باور داشتند، صورت می‌پذیرد و از این رو شرایط اجتماعی و عوامل مذکور آنان را به گریز از قوانین اجتماعی سوق می‌دهد.

طبق نتایج به دست آمده، ارتباط عوامل مذهبی (به استثنای پایبندی به مناسک مذهبی)، احساس برابری (به جز رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه، شایسته‌سالاری)، احساس کارآمدی و احساس بیگانگی اجتماعی (به غیر از احساس بی‌معنایی) با میزان قانون‌گریزی در محدوده مورد مطالعه معنادار بود و مورد تأیید قرار گرفت. در این میان عوامل احساس برابری و عدالت با ضریب میانگین ۰/۲۲۳ بیشترین تأثیر و عامل مذهب با ضریب میانگین ۰/۱۷۸ کمترین تأثیر را بر میزان قانون‌گریزی دارند. همچنین، رابطه معکوس و معنادار بین میزان تحصیلات و میزان قانون‌گریزی در این پژوهش مؤید دیدگاه‌های مرتون است. ارتقای درجه باورهای دینی در محدوده مورد مطالعه، افزایش قانون‌گریزی را در پی داشته است که این موضوع مؤید نظریات دورکیم است. وی تعالیم و آموزه‌های خاص مذهبی مبتنی بر جبر و تقدیر و نیز بی‌ارزش بودن دنیا

و نظایر آن را بر افزایش قانون‌گریزی مؤثر دانسته است (دورکیم، ۱۳۹۱: ۲۲۹). همچنین نتیجه مذکور با نتایج تحقیق (Lou Xin-quan, 2008: 41) و (Hirschi & Gottfredson, 1993: 49) که حاکی از وجود ارتباط مستقیم میزان دینداری با میزان قانون‌گریزی بود، انطباق دارد. علاوه بر این، احساس برابری و عدالت (تنها از نظر دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی) با میزان قانون‌گریزی رابطه معناداری را نشان داد. این موضوع با دیدگاه (Wunder, 2015: 234) و نظریه مسعود چلبی (۱۳۹۴) که تزلزل عدالت اجتماعی را سبب افزایش قانون‌گریزی می‌داند، منطبق است؛ اما این دیدگاه‌ها با شاخص‌های دیگر (احساس برابری در رعایت حقوق قومیت‌ها، برتری قانون بر رابطه و شایسته‌سالاری) که ارتباط معناداری با قانون‌گریزی نشان ندادند، مغایرت دارد. همچنین بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، بین احساس کارآمدی و میزان قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری مشاهده شد، اینکه با افزایش احساس کارآمدی، میزان قانون‌گریزی سیر نزولی و کاهشی پیدا کرده است و برعکس. این نتیجه بر دیدگاه برخی نظریه‌پردازان (ادوین ساترلند^۱، هیرشی^۲) که معتقد به وجود ارتباط معکوس بین سطح آرزوها و خواسته‌ها و انگیزه پیشرفت با میزان قانون‌گریزی بودند، مهر تأیید می‌گذارد. افزون بر این ارتباط مستقیم و معناداری بین احساس بیگانگی اجتماعی (به جز شاخص احساس بی‌معنایی) و قانون‌گریزی مشاهده شد. اینکه افزایش احساس بیگانگی اجتماعی با افزایش میزان قانون‌گریزی در نواحی حاشیه‌نشین و حومه شهر مورد مطالعه همگام است، مورد تأیید قرار گرفت. از این رو نتیجه مذکور با دیدگاه‌های ویکسا، فریر، وانگ و لی (Wang & Liu, 2010: 21; Ferrer, 2009: 19; Wekesa, 2011: 241) همسویی دارد.

در مجموع با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت از آنجایی که مردم ساکن در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته به لحاظ شرایط اقتصادی (اشتغال و درآمد)، اجتماعی (خدمات و زیرساخت‌ها)، فرهنگی (آموزش و تحصیلات) از وضعیت توسعه‌ای مطلوبی برخوردار نیستند، در برابر انواع ناملايمات زندگی احساس ناتوانی کرده، برای این که در زندگی خود تغییر ایجاد کنند به ناچار حتی بر خلاف باورهای دینی‌ای که دارند سراسر زندگی را با عدم التزام به قوانین و چارچوب

1. Edwin Hardin Sutherland
2. Travis Hirschi

قواعد اجتماعی سپری می‌کنند.

بنابراین، نتایج پژوهش حاکی از ضعف قابل ملاحظه‌ای در بنیان‌های اقتصادی و تولیدی و نیز ساز و کارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات است، که روی هم رفته در چارچوب نظام غیرسنتی، منجر به گرایش‌های قانون‌گريزانه در این منطقه شده است. این امر مستلزم زمینه‌سازی فرهنگی و انجام اقداماتی است. این اقدامات عبارتند از:

۱. ایجاد و گسترش زیرساخت‌های ارتباطی - اطلاعاتی و تأکید ویژه بر ارتقای دسترسی به منابع دانش از جمله برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی، مجلات و روزنامه‌های مفید و آگاهی‌بخش که مرتبط با خواسته‌های و نیازهای مردم حاشیه‌نشین باشند؛
۲. تأکید ویژه بر پویایی دینی مذهبی (توجه اساسی به تفکر و تدبر مورد تأکید در منابع دینی و پرهیز از گرایش‌های قانون‌گريزانه و جمود فکری) و سوق دادن هدفمند حاشیه‌نشینان به سمت آگاهی صحیح از منابع دینی و به‌طور کلی به سمت تلاش مستمر برای دستیابی رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مطلوب از طریق بهبود دسترسی‌های آموزشی و اطلاعاتی به کمک رسانه‌ها؛
۳. تأکید بر ایجاد و تقویت بنیان‌های اقتصادی و تولیدی نواحی حومه و حاشیه‌ی شهر، بویژه ایجاد مشاغل مستمر در فعالیت روزمره مبتنی بر رویکرد عدالت اجتماعی و مکانی؛ چرا که از دیرباز ناتوانی‌ها و ضعف‌های اقتصادی نقش مهمی در تسلیم مردم در برابر انواع مخاطرات طبیعی و مصیبت‌های اجتماعی و پذیرش‌های گرایش‌های قانون‌گريزانه داشته‌اند؛
۴. تأکید بر نقش مشارکتی و مؤثر حاشیه‌نشینان در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه محلی؛ لازمه این امر آن است که متولیان توسعه شهری به دانش و تجربیات مردم این نواحی توجه کرده، آنان را در فرایند تصمیم‌گیری تا اجرای پروژه‌ها و نیز منافع حاصل از آن سهیم نمایند. این امر منجر به افزایش میل به پیشرفت و احساس کارآمدی خواهد شد و به کاهش احساس بی‌قدرتی و از خودبیگانگی اجتماعی کمک شایانی خواهد کرد.

منابع

- چلبی، مسعود (۱۳۹۴). کتاب تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی.
- حیدری، آرش؛ رضادوست، کریم؛ فروتن‌کیا، شهرروز (۱۳۹۱). "نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)". فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره بیست و دوم، ش ۱۲ (بهار): ۳۹-۶۰.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۱). درس‌های جامعه‌شناسی (فیزیک، اخلاقیات و حقوق). ترجمه جمال‌الدین موسوی. تهران: نشر نی.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴). "میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی". جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۳ (تابستان): ۴۷-۶۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی آشفستگی اجتماعی. تهران: سروش.
- ----- (۱۳۸۷). آناتومی جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روستایی، شهرپور؛ زادولی، فاطمه؛ زادولی خواجه، شاهرخ (۱۳۹۳). "تحلیل فضایی پراکنش فقر اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین (نمونه موردی: مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز)". فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، دوره اول، ش ۱ (تابستان): ۷۲-۹۸.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت‌الله (۱۳۹۲). "عوامل قانون‌گرایی شهروندان در شهر یزد". رفاه اجتماعی، دوره هفتم، ش ۵۰ (بهار): ۱۵۹-۲۰۶.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۸). "موانع قانون‌گرایی و راه‌های مقابله با آن در ایران". در: مجموعه مقالات قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. گردآورنده احمد زرین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۳۴-۶۱.
- علی‌محسنی، رضا (۱۳۹۱). "تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی". فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره پنجم، ش ۱۷ (پاییز): ۸۳-۱۰۸.
- علیوردی‌نیا، علی اکبر (۱۳۷۸). "مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در

- مازندران". در: مجموعه مقالات قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. گردآورنده احمد زرین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۶۹-۲۲۶.
- فتح‌اللهی، جواد، و دیگران (۱۳۷۸). "یجاد روحیه قانون‌پذیری". در: مجموعه مقالات همایش قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. گردآورنده احمد زرین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۳-۸۳.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر (۱۳۸۹). "قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)". *رفاه اجتماعی*، دوره یازدهم، ش ۴ (تابستان): ۳۸۱-۴۱۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۱). "امنیت، تهدید ملی و آسیب‌های اجتماعی". در: مجموعه مقالات امنیت اجتماعی و راهکارهای توسعه. گردآورنده احمد زرین. بابل: دفتر امور اجتماعی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه استان مازندران: ۹۰۱-۹۳۷.
- مختاری، مریم؛ قهرمانی، مریم؛ قدرتی، حسین (۱۳۹۱). "عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان قانون‌گریزی در روابط اجتماعی (مورد مطالعه: افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر شیراز)". *فصلنامه پژوهش‌های دانش‌انتظامی*، دوره چهاردهم، ش ۳۲ (تابستان): ۷۷-۱۰۴.
- معیدفر، سعید (۱۳۷۹). "تبیین جامعه‌شناختی تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی در ایران". در: مجموعه مقالات بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی. گردآورنده احمد زرین. تهران: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران: ۸۳۲-۸۲۶.
- میرفردی، اصغر؛ فرجی، فروغ (۱۳۹۵). "بررسی میزان گرایش به قانون‌گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج". *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره بیست و هفتم، ش ۶۲ (بهار): ۹۳-۱۱۰.
- نوربهاء، رضا (۱۳۷۷). *زمینه جرم‌شناسی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- واحدی، شهرام؛ بدری گرگری، رحیم؛ مصرآبادی، جواد (۱۳۸۸). "بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)".

فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره یکم، ش ۴۳ (تابستان): ۳۳-۵۶.

- Adams, J. S. (1965). *Advances in Experimental Social Psychology*. New York: Academic Press.
- Akers, R. L.; Cochran, J. K. (1985). "Adolescent Marijuana Use: A Test of Three Theories of Deviant Behavior". *Deviant Behavior*, Vol. 6, No. 1: 377-419.
- Brownfield, David; Sorenson, Ann Marie (1993). "Self-control and juvenile delinquency: Theoretical issues and an empirical assessment of selected elements of a general theory of crime". *Deviant Behavior*, Vol. 1, No. 4: 243-264.
- Burkett, Steven R (2001). "Religion and Crime". In: *Encyclopedia of Criminology and Deviant Behavior*. Chunrye Kim, Vol. 2: 449-451.
- Colfer, C. J. P. (2011). "Marginalized Forest Peoples' Perceptions of the Legitimacy of Governance: An Exploration". *World Development*, Vol. 39, No. 12: 2147-2164.
- Eldering, L.; Knorth, J. E. (2007). "Marginalization of Immigrant Youth and Risk Factor in Their Everyday Lives: The European Experience". *Journal of Child and Youth Care Forum*, Vol. 27, No. 3: 153-169.
- Emirbayer, Mustafa (1996). "Useful Durkheim. Sociological Theory". *Journal of Child and Youth Care Forum*, Vol. 14, No. 2: 109-130.
- Ezzine-de-Blas, D., et al. (2016). "Global patterns in the implementation of payments for environmental services". *PLOS ONE*, Vol. 11, No. 3: 113-149.
- Ferrer, R. (2009). "Breaking the Law". *Journal of Guangxi Youth Leaders College*, Vol. 17, No. 1: 22-91
- Giddens, Anthony (1986). *Durkheim on Politics and the State*. Cambridge: Polity Press.
- Haynie, D. L., et al. (2005). "Adolescent Romantic Relationships and Delinquency Involvement". *Criminology*, Vol. 43, No. 1: 21-177
- Hirschi, Travis; Gottfredson, Michael (1993). "Commentary: Testing the general theory of crime". *Journal of Research in Crime and Delinquency*. Vol. 30, No. 1: 47-54.
- Hirschi, Travis (1961). *Delinquency research*. New York: The Free Press.
- ----- (1995). "The influence of Criminal justice Research The Family". In: James Q. Wilson and Joan Petersilia (eds.). *Crime*. San Francisco: Institute for Contemporary Studies: 121-140
- Homans, G. C. (1961). *Social Behavior: Its Elementary Forms*. New York: Harcourt, Brace & world.

- Ito, J., et al. (2018). "A policy evaluation of the direct payment scheme for collective stewardship of common property resources in Japan Ecol". *Econ*, Vol. 152, No. 5: 141-151
- ----- (2019). "Assessing the effectiveness of Japa community-based direct payment scheme for hilly and mountainous areas". *Ecological Economics*, Vol. 160, No. 2: 62-75.
- Li, S.; Li, X. (2017). "Global understanding of farmland abandonment: A review and prospects". *J. Geogr Sci*, Vol. 27, No. 9: 1123-1150.
- Lilly, J. Robert; Francis, T. Cullen; Richard, A. Ball (1995). *Criminological theory: context and consequences*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Longshore, D., et al. (2004). "Self-Control and Social Bonds: A Combined Control Perspective on Deviance". *Crime and Delinquency*, Vol. 50, No. 4: 181-271.
- Mohebalian, P. M.; Aguilar, F. X. (2018). "Design of tropical forest conservation contracts considering risk of deforestation". *Land Use Policy*, Vol. 70, No. 3: 451-462.
- Murtinho, F.; Hayes, T. M. (2017). "Communal participation in Payment for Environmental Services (PES): unpacking the collective decision to enroll". *Environ Manag*, Vol. 59, No. 1: 939-955.
- Narloch, U.; Drucker, A. G.; Pascual, U. (2017). "What role for cooperation in conservation tenders? Paying farmer groups in the High Andes". *Land Use Policy*, Vol. 63, No. 4: 659-671.
- Terres, J. M., et al. (2015). "Farmland abandonment in Europe: identification of drivers and indicators, and development of a composite indicator of risk". *Land Use Policy*, Vol. 49, No. 2: 20-34.
- Wang, Xiao-shoo; Liu, Qing-shun (2010). "An Analysis of Psychological Factors of Law-abiding Behavior". *Journal of Experimental Criminology*, Vol. 21, No. 1: 14-45.
- Wekesa, B. (2011). "A review of physical and socio-economic characteristics and intervention approaches of informal settlements". *Habitat International*, Vol. 35, No. 2: 238-245.
- Wunder, S. (2015). "Revisiting the concept of payments for environmental services". *Ecol Econ*, Vol. 117, No. 1: 234-243.
- Xin, Quan, Lou (2008). "On Law-abiding and Religion". *Journal of Guangxi Youth Leaders College*, Vol. 17, No. 1: 22-91

The Factors Affecting Rule breaking in the Suburbs of Mashhad City

Milad Poor Rajabi¹, Ali Akbar Majdi²

Abstract

The marginalization is one of the factors contributing to lawbreaking and interconnectivity of metropolitan security, which is the birth of inappropriate economic and social planning. The purpose of this article is to evaluate the rate of legalization and explain some of the factors affecting it in marginal and suburban areas of Mashhad. The research method is descriptive-analytical and its statistical population is all people in the suburbs of Mashhad. Of these, 5 regions and 383 marginalized individuals were selected as samples. Data were analyzed and analyzed by SPSS software. The results indicate a significant degree of legalization with an average of 2.9. Also, the correlation between religious factors (other than adherence to religious rituals), the feeling of equality (except for respecting the rights of ethnicities, the superiority of the law on relationship and meritocracy), the sense of efficiency and the sense of alienation (with the exception of sensational sensation) are statistically significant. The results indicate a significant weakness in the foundations of knowledge and knowledge, economic and productive foundations, as well as institutional mechanisms in allocating and distributing capital and facilities, all of which lie within the framework of an unconventional military system based on the experience and everyday life events and personal interest-oriented tendencies, Has led to erosion laws in the area.

Key words: Legitimizing, alienation, efficiency, marginalization, deviant behavior

1 Ph.D. Student, Economic Sociology and Development, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad; Email: milad.porrajabi@gmail.com

2 Faculty Member, Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad; Email: majdi@um.ac.ir